

بِسْمِ تَعَالَى

تبیین سیره رفتاری والدین با فرزندان در نهج البلاغه

پژوهشگران: رقیه یوسف زاده، معصومه بهاری، فاطمه زارعی

زمستان ۱۳۹۹

چکیده

مقاله حاضر با عنوان تبیین سیره رفتاری والدین با فرزندان در نهج البلاغه تدوین گردیده است؛ تربیت فرزند، از مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در دین اسلام است و بر هر مسلمانی لازم است فرزند خویش را به شیوه صحیح تربیت نماید و در این راه از هرگونه سستی بپرهیزد. مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای به صورت توصیفی-تحلیلی، در صدد پاسخگویی به چگونگی تبیین سیره رفتاری والدین با فرزندان در نهج البلاغه بوده و برای پاسخ به این سوال به تبیین بایدها و نبایدهای رفتار والدین در راستای تربیت فرزندان از سه مقوله آموزشی، اصلاحی و انگیزشی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، اصلاح، تربیت، سیره، رفتار، نهج البلاغه، والدین.

فهرست

۳	مقدمه
۴	الف: مفاهیم
۴	۱- سیره و رفتار
۵	۲- تربیت
۶	۳- اصلاح
۶	۴- آموزش
۷	ب: ابعاد سیره رفتاری والدین با فرزندان در نهج البلاغه
۱۰	۱- رفتار آموزشی والدین با خودسازی
۱۵	۲- توجه به مراحل تربیت فرزند
۱۸	۳- آموزش حقوق متقابل پدر و فرزند
۱۹	۴- آموزش روش برخورد با خویشاوندان:
۲۱	۵- آموزش آیین دوست‌طبی و رفتار با دوستان
۲۳	۶- آموزش شاد کردن خانواده و دیگران
۲۴	۲- رفتار اصلاحی والدین با فرزندان در نهج البلاغه
۲۵	اول: اعتدال در پرداخت به امور خانواده
۲۶	دوم: شناخت دادن به فرزندان
۲۷	سوم: علاج مرگ و ضرورت توبه
۳۰	چهارم: عمل‌گرایی
۳۳	۳- رفتار انگیزشی در تربیت فرزند
۳۳	اول: نعمت دین فرزند
۳۵	سوم: ارزش رازداری و خوش‌رویی
۳۹	چهارم: پندپذیری
۴۰	ضرورت دوراندیشی و استفاده از فرصت‌ها

نتیجه ۴۲

فهرست منابع ۴۳

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی و مدنی است. از ابتدای تکون انسان در این عالم، اول محیطی که انسان در آن قدم می‌گذارد، محیط خانواده است. در فضای خانواده تربیت می‌شود و به رشد و نمو جسمی و روحی می‌رسد.

در تعالیم انبیاء، بحث تربیت انسان به شکلی ویژه مطرح بوده است و در اهداف تمامی آنان، تربیت الهی انسان جای داشته است؛ چه آنکه خداوند متعال که خالق انسان است به راه درست و طریقه صحیح رشد و به کمال رسیدن او علم کامل دارد و انبیای عظام ناقل برنامه خداوند برای تربیت و رشد بشر هستند و از این رو انبیای الهی به‌عنوان اولین مربیان بشر شناخته می‌شوند. از همین‌جا اهمیت بحث تربیت روشن می‌شود تا جایی که فطرت بشری از چنین نیازی حکایت دارد و تعالیم انبیا نیز به‌عنوان یکی از اصول تعالیم خود به آن پرداخته‌اند.

در دین مقدس اسلام نیز، بحث تربیت انسان به شکلی ویژه مطرح شده است. در قرآن و سنت مطالب و مباحث فراوانی در این باره مطرح گردیده است که یکی از مهم‌ترین کتب روایی در این باره، نهج‌البلاغه شریف است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کلمات فراوانی که از ایشان نقل شده به بحث تربیت پرداخته‌اند که یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در این باره نقش والدین در تربیت فرزندان است که به شکلی ویژه مدنظر حضرت قرار گرفته است.

بزرگان از علمای اسلام نیز به بحث تربیت به طور ویژه پرداخته‌اند که می‌توان به کتب پندها و اندرزها از شهید مطهری، عرفان اسلامی از استاد حسین انصاریان و دیگران اشاره کرد که در این مقاله نیز مورد استفاده قرار گرفته است. ما نیز در این مقاله درصدد آن هستیم بحث تربیت فرزند را از دیدگاه نهج‌البلاغه باتکلف بر سخنان بزرگان دین تبیین کنیم، البته با توجه به گنجایشی که به طور اجمالی به بحث تربیت فرزند در سه مقوله آموزشی و اصلاح و انگیزشی اشاره نموده و خواهیم گفت مهم‌ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندان در بحث تربیت آن‌هاست که

حقی الهی بر گردن والدین است و وظیفه‌ای بسیار خطیر و مهم است که کوتاهی در انجام آن، عواقب خطرناک دنیوی و اخروی در پی خواهد داشت؛ لذا باید والدین تمام جهد و کوشش خود را به کار گیرند تا فرزندان خود را به تربیتی الهی و مطابق با مبانی اسلامی تربیت کنند.

الف: مفاهیم

۱ - سیره و رفتار

مرحوم راغب در مفردات می‌فرماید: سیره حالت و روشی است که انسان و سای جانداران نهادشان و وجودشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی باشد و خواه اکتسابی؛ چنان که گفته می‌شود: فلانی سیره و روشی نیکو و قبیح دارد. و آبی: (سَنَعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى - ۲۱ / طه) یعنی حالتی که بر آن حالت بوده که همان چوب بودن آن است (درباره عصای حضرت موسی علیه السلام است بعد از اعجازش در حرکت کردن، که می‌گوید: نترس طبیعت و نهاد اولش را به آن باز می‌گردانیم).^۱

مرحوم شهید مطهری در ابتدای کتاب سیره نبوی، درباره سیره چنین بررسی می‌کند: سریره، منش، رفتار: «سریره» در زبان عربی از ماده «سیر» است. «سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. «سیره» یعنی نوع راه رفتن. سیره بر وزن فِعْلَةٌ است و فِعْلَةٌ در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند. مثلاً جَلَسَه یعنی نشستن و جَلَسَه یعنی سبک و نوع نشستن؛ و این نکته دقیقی است. سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار.^۲ برخی محققان از دلالت وزن فِعْلَةٌ بر نوع و هئیت عمل، چرکن برداشت کرده‌اند که سریره بر سبک و روش عمل دلالت دارد.

علامه مصطفوی در التحقیق ذیل بررسی ماده «سیر»، وقتی به «سیره» می‌رسد، می‌فرماید: «و السَّيْرَةُ: الطَّرِيقَةُ فِي الشَّيْءِ وَ السَّنَّةُ، لِأَنَّهَا تَسِيرُ وَ تَجْرِي، يُقَالُ سَارَتْ وَ سَرَّتْهَا أَنَا؛^۳ یعنی سیره عبارت است از طریق و روش در کار یا رفتاری، زیرا سیره سیر می‌کند و جاری می‌شود». لذا به رفتار و طریقه‌ای که سیر و جریان داشته باشد، سیره می‌گویند.

۱. راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۵۰.

۳. مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۸۷.

۲- تربیت

راغب اصفهانی در مفردات تربیت را از ریشه «ربو» می‌داند؛^۱ معنای آن پرورش دادن است؛ مرحوم شهید مطهری در کتاب فلسفه تاریخ، تربیت را این‌گونه شرح می‌دهد: «تربیت یعنی پرورش دادن استعدادهای درونی. مربی بیش از صدی پنجاه تابع موضوع تربیت است؛ یعنی مربی باید استعدادهای موضوع تربیت را بشناسد، در جهت استعدادهای او کار کند و او را رشد بدهد. مثل یک گل کار است. یک گل کار نمی‌تواند طبیعت گل شمعدانی یا گل یاس را عوض کند، از شمعدانی یاس بسازد و از یاس شمعدانی، بلکه کوشش می‌کند با تجربیات خود، طبیعت آن گل را بشناسد که این را از چه راه وارد بشویم بهتر می‌توانیم شکوفا کنیم و آن را از چه راه وارد بشویم بهتر و در مورد هر کدام، از استعدادهای و فطریات خودش استفاده می‌کند. این، کار تربیت است.»^۲

گفتنی است عده‌ای گفته‌اند، «رَبّ» که از اسماء خداوند متعال است، نیز به معنای تربیت دهنده است و اصل تربیت از «ربب» است ولی در تخفیف باء دوم به یاء تبدیلی شده است.^۳ این نیز مطلبی زیبا و درخور توجه است که یکی از شئون ربوبیت خداوند، شأن تربیت کردن اوست. خدای متعال با انواع و اقسام بلا یا انسان را در کوره حوادث رشد داده و تربیت می‌کند. این‌گونه است که تربیت امری الهی است و گاهی در سیر خلقت است که انسان تربیت می‌شود و گاه با کارهایی که خانواده یا محیط می‌کند، انسان تربیت می‌شود.

۱. راغب، اصفهانی، ۱۳۷۴ ج ۲، ص ۳۹.

۲. مطهری، مرتضی، ج ۱۵، ص ۱۳۸.

۳. راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۶.

الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَ لَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ»^۱

«ای مردم! هر کس از خدا خویخواه ی طلبد، توفیق یابد و آن کس که سخنان خدا را راهنمای خود قرار دهد به راست‌ترین راه، هدایت خواهد شد، پس همانا همسایه خدا در امان و دشمن خدا ترسان است، آن کس که عظمت خدا را می‌شناسد سزاوار نیست خود را بزرگ جلوه دهد، پس بلندی ارزش کسانی که بزرگی پروردگار را می‌دانند در این است که برابر او فروتنی کنند و سلامت آنان که می‌دانند قدرت خدا چه اندازه می‌باشد در این است که برابر فرمانش تسلیم باشند.

پس از حق نگریزید چونان گریز انسان تندرست از فرد «گر» گرفته اگر، نوعی بیماری پوستی که با خارش شدید همراه است، یا انسان سالم از بیمار و بدانید که هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت جز آنکه ترک‌کننده آن را بشناسید! هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آنکه بپیمان شکنان را بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رها کننده آن را شناسایی کنید»^۲

ضرورت دوراندیشی و استفاده از فرصت‌ها

دو مسئله مهم وجود دارد که باید مورد توجه والدین باشد. اولین بحث، بحث دوراندیشی و پرهیز از کوتاهی در تربیت است که در این باره نیز کلام نهج‌البلاغه چنین است: «ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ»^۳

«حاصل کوتاهی، پشیمانی و حاصل دوراندیشی، سلامت است»^۴

آقا جمال خوانساری، ذیل حدیث «أَفَةُ الْحَزْمِ فَوْتَ الْأَمْرِ» که در غررالحکم از حضرت امیر علیه السلام نقل شده،

چنین می‌گوید: «أَفْتُ دَوْرَانْدِيشِي فَوْتُ شَدْنِ كَارِ اسْتِ، مَرَادُ اِيْهِ اسْتِ كِهْ أَفْتُ دَوْرَانْدِيشِي اِيْهِ اسْتِ كِهْ دَوْرَانْدِيشِ

گاه است که آن قدر صبر می‌کند و فکر و تأمل می‌کند در کاری که وقت آن کار فوت می‌شود و دوراندیشی او فاسد

۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (الصبحی صالح)، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۲- شریف، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص ۲۷۱.

۳- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (الصبحی صالح)، ص ۵۰۲، ح ۱۸۱.

۴- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص ۶۶۹.

و باطل می‌گردد، پس باید که دوران‌دیش وقت را فوت نکند و هر قدر فکر و تأمل که می‌کند پیش از آن باشد که وقت از دست برود.»^۱

مسئله دیگر، بحث استفاده از فرصت‌ها است. فرصت‌هایی که برای تربیت فرزند به جود می‌آید، باید قدر دانست. در همین باره، مولا علیه‌السلام می‌فرماید: «كُلُّ مُعَاجِلٍ يَسْأَلُ الْإِنظَارَ وَ كُلُّ مُؤَجَّلٍ يَتَعَلَّلُ بِالتَّسْوِيفِ؛^۲ آنان که وقتشان پالخن گرفته خواستار مهلت‌اند و آنان که مهلت‌دارند کوتاهی می‌ورزند!»^۳

در کتاب حکمت‌ها و اندرزها آمده است: «انسان باید همیشه مراقب و مواظب پیشامد باشد، فرصت‌هایی که در زندگی پیش می‌آید مغتنم بشمارد و نگذارد هدر برود. این یکی از دستورالعمل‌های مهم زندگی است: سعادت‌ها و موفقیت‌هایی که نصیب بسیاری از افراد شده و می‌شود، بیش از آن مقدار که مربوط به استعداد و لیاقت آن‌ها باشد، مربوط به هوشیاری و بیداری و استفاده کردن از فرصت‌هاست و همچنین بدبختی‌ها و محرومیت‌های دسته دیگر بیشتر به واسطه هدر دادن وقت‌ها و از کف دادن فرصت‌هاست نه از بی‌لیاقتی و بی‌استعدادی.

استفاده از فرصت یکی از انواع شکرگزاری از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی است، همان‌طور که از دست دادن آن یک نوع کفران نعمت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: اگر از نعمتی قدردانی کنی و نیک استفاده نمایی، آن نعمت را افزایش خواهی داد و اگر به‌عکس قدردانی نکنی و مورد بی‌اعتنایی و عدم توجه قرار دهی، علاوه بر آنکه آن نعمت سلب خواهد شد، نعمت و مجازات جای آن را خواهد گرفت: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. روی این اصل مسلم، اگر از فرصت‌هایی که پیش می‌آید و به تعبیر پیغمبر اکرم سرهم‌های رحمتی که از جانب خداوند می‌وزد استفاده صحیح بشود، بعدها از این فرصت‌ها زیادتر پیش خواهد آمد و اگر لاقیدی و مسامحه شود، دیگر مجالی پیشامد نخواهد کرد.»^۴

استاد انصاریان نیز درباره غنیمت شمردن فرصت‌ها چنین می‌فرماید: «غنیمت شمردن فرصت، بخصوص فرصت وقت و زمانی که در اختیار است و با قول معروف فرصت عمر، سفارش حضرت حق و وصیت انبیا و امامان و اولیای

۱- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم (خوانساری)، جلد: ۳، صفحه: ۱۱۰.

۲- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (الصبحی صالح)، ص ۵۲۵، ح ۲۸۵.

۳- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص ۶۹۹.

۴- مطهری، همان، ج ۲۲، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

خداست، در این فرصت است که می‌توان سیئات را تبدیل به حسنات کرد و زیبایی را به جای زشتی نشاند و نور را جانشین ظلمت نمود. اگر فرصت از دست برود و کاری مثبت انجام نگیرد و پیک مرگ از جانب خدا برسد و چراغ عمر به لحظه خاموشی وصل شود، جایی برای توبه باقی نیست و پشیمانی سود نخواهد داشت.

زمانی که طلحه در جنگ جمل در اثر تیر مروان بن حکم بر زمین افتاد و جان می‌داد، چنین گفت: بزرگی از بزرگان قریش را به بدبختی خود ندیدم. این پشیمانی سخت وقتی برای طلحه آمد که دیگر سودی نداشت و فرصت عمر از دست رفته بود و چراغ عمر در حال خاموشی بود، او نخستین مردی بود که با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کرده بود، چون علی علیه السلام با خواسته نامشروعش موافقت نکرد و تحریکات معاویه در او کارگر افتاد، پیمان با آن حضرت را شکست و دنیا و آخرت خود را تاریک کرد.^۱

والدین بایع به گونه ای برای فرزندان خود برنامه ریزی کنند و آن‌ها را با فواید استفاده درست از فرصت‌ها آشنا کنند تا آنان زود در آنجا شغلی خویش باعجله روبه رو نشوند چرا که مدیعت زمان باعث کاهش عجله می‌شود. اگر در سرین پایین تر به فرزندان مدیعت زمان را طرد بدهیم هم‌یشه و در همه حال در ذهن آنان چگونگی مدیعت فرصت‌ها و استفاده درست از آن در ذهن آن‌ها خود به خود شکل می‌بندد هم چرین والدین می‌توانند برای کارهای روزانه خود برنامه ریزی کرد و کارهای خود را با توجه به زمان مدیعت کنن و به صورت عملی برای فرزندان مدیعت زمان را طرد دهند و آن‌ها را به استفاده درست فرصت آشنا کنند و تشویق کنند.

نتیجه

از آنچه گفتیم نتیجه می‌گیریم که تربیت فرزند در نگاه اسلام و نهج‌البلاغه مهم‌ترین مقوله باب تربیت اسلامی است. از همین رو، والدین وظیفه دارند در وهله اول وظایف خویش را دقیق بشناسند و حساسیت بحث تربیت را بدانند و سپس به طور حساس و دقیق به تربیت فرزند خویش مشغول باشند. سپردن فرزند به دست افرادی که هیچ

۱- انصاریان، حسین، توبه آغوش رحمت، صفحه: ۲۲۳.

اطمینانی به آنها نیست، یا رهاکردن کودک در دامن اجتماع از بزرگ‌ترین آفاتی است که شدیداً بحث تربیت کودک را تهدید می‌کند.

پیشنهادهای علمی

لازم است والدین قبل از ازدواج، بعد از ازدواج و در طول زمانی که خواهان آوردن فرزند هستند، با استفاده از مشورت با افرادی که تربیتی الهی دارند و به مشاوره برخاسته از متون اسلامی آشنایی دارند، در راه تربیت فرزند خویش کوشش کنند. همچنین بعد از به دنیا آمدن کودک از بدو تولد به تربیت او حساس باشند و زندگی خویش را مملو از فضایی الهی و معنوی کنند که تنفس فرزندشان در آن فضا باعث تربیت صحیح او شود و فردی سالم از نظر روحی و روانی تحویل جامعه بدهند.

فهرست منابع

فهرست کتاب‌ها:

*قرآن کریم

*نهج‌البلاغه (صبحی صالح)

۱- انصاریان، حسینی، توبه آغوش رحمت، دارالعرفان، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

۲- انصاریان، حسینی، عرفان اسلامی، دارالعرفان، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

۳- بحرانی، حسین بن علی، سلوک عرفانی در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، وثوق، قم - ایران، ۱۳۷۹ ه.ش.

۴- خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم (خوانساری)، جلد: ۳، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ،

تهران - ایران، ۱۳۶۶ ه.ش.

۵- دل‌شاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، دریا، تهران - ایران، ۱۳۸۳ ه.ش.

۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ش.

- ۷- شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحوّل انسان به ضمیمهٔ مقدمه‌ای بر دیدگاه اسلام در مورد رشد، چاپ سوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه دشتی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشریعه - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۰- طباطبایی نسب، محمدرضا، آداب زندگی، ناشر: مؤسسه فرهنگی نورالائمه (علیه السلام)، تهران، ۱۳۹۰
- ۱۱- قریشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن - تهران، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۲- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۳- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۳۰ جلد، صدرا - قم - ایران، چاپ: ۸، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، ۱۳ جلد، صدرا - تهران - ایران، چاپ: ۱، ۱۳ ه.ش.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد: ۳، مدرسهٔ الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش

فهرست سایت‌ها:

۱- <http://intjz.net>

۲- [http:// resekhoon.net](http://resekhoon.net)

۳- <http://rjqk.atu.ac.ir>

۴- <http:// wikifeqh.ir>